

Position jurisprudential asking for need from the holy figures and relationship it with monotheism in worship

Abstract

In this article, the jurisprudential ruling of asking for need from the holy figures is explained. The definition of prayer (asking for need) has been criticized and we state the jurisprudential proofs of the prohibition of seeking transcendental needs from divine beings, saints and angels and a correct definition is presented according to Quran and jurisprudential evidence. Since the divine reality has not been referred by saint legislator regarding the words "prayer" and "worship", therefore, we refer to the truth of religious custom, which is not limited to the custom of Muslims. In the world tradition, asking for need is called prayer and worship, and the absence of intention of the divinity of the supplicant has no role in realization of prayer and worship in which God, divine beings and saints are asked. In this research, the monotheism in worship (prohibition of worshipping other than God), worship quantification (quality and quantity of worship) and the above-mentioned cases are based on it and as a result, the sanctity of asking for need from the holy figures is inferred that is not permitted by the saint legislator.

Keywords: asking for need, holy figures, prayer, worship, divine reality

جایگاه فقهی حاجت‌خواهی از اولیا و ارتباط آن با توحید عبادی

چکیده

در مقاله حاضر حکم فقهی حاجت‌خواهی از اولیا تبیین می‌شود. تعریف دعا (حاجت‌خواهی مصطلح) مورد نقادی قرار گرفته و ادله فقهی نهی از حاجت‌خواهی ماورایی از موجودات الهی، قدیسان و فرشتگان را بیان نموده و تعریفی صحیح طبق ادله قرآنی و فقهی ارائه می‌گردد. از آنجایی که برای واژه‌های «دعا» و «عبادت» حقیقت شرعی توسط شارع مقدس استعمال نشده است؛ لذا به حقیقت عرفیه ادیان مراجعه می‌کنیم که محدود به عرف مسلمین نمی‌باشد. در عرف جهانی حاجت‌خواهی اصطلاحی، نیایش و پرستش نامیده می‌شود و عدم نیت الوهیت «داعی» بر تحقق دعا و عبادت که «مدعو» در آن خدا، موجودات الهی و قدیسان هستند نقشی ندارد. در تحقیق حاضر توحید عبادی (نهی از پرستش غیر خدا)، توقیفیت عبادات (کیفیت و کمیت عبادات) و موارد فوق‌الذکر را مبنا قرار داده و در نتیجه حرمت حاجت‌خواهی از اولیا، که برای آن جوازی توسط شارع بیان نشده است استنباط می‌شود.

کلید واژه‌ها: حاجت‌خواهی، اولیا، دعا، عبادت، حقیقت شرعی.

از آنجایی که در آثار موجود طبق مبنایی که در این پژوهش در صدد تبیین آن هستیم، حکم فقهی حاجت‌خواهی از اولیا بررسی نشده است. لذا ارائه تحقیقی در خصوص حکم حاجت‌خواهی از اولیا را از احکام خمس با استنباط از ادله قرآنی و فقهی به طور مبسوط ضروری دانستیم. مقاله حاضر در پنج بخش با زیربخش‌های مربوطه تنظیم شده است. در هر کدام از بخش‌ها مبنایی از حرمت حاجت‌خواهی از اولیا با استناد به قرآن کریم و کتب فقهی و روایات معتبر شرح داده می‌شود.

در کتب آسمانی به ضرورت دعا و حاجت‌خواهی اشاره شده است. ابتدا حقیقت شرعی را تعریف کرده و ارتباط آن با عدم جواز حاجت‌خواهی از اولیا بررسی می‌شود. اگر شارع مقدس لفظی را از معنای لغوی به معنای جدید انتقال دهد، گفته می‌شود برای این لفظ حقیقت شرعی استعمال شده است. به عنوان مثال واژه «صلاه» در برخی آیات در معنای لغوی «دعا» به کار رفته است. «همانا خداوند و فرشتگان به پیامبر درود می‌فرستند، ای مومنان [شما نیز] بر او درود بفرستید و سلام [و تسلیم] عرضه دارید» (سوره احزاب/۵۶). بعدا شارع مقدس واژه «صلاه» را از معنای لغوی به معنای جدید انتقال دادند. اما چنین استعمال و انتقال به معنای جدید (حقیقت شرعی) توسط شارع مقدس در مورد الفاظ «دعا و عبادت» قابل اثبات نیست. در این صورت طبق آنچه که در کتب فقهی می‌خوانیم تکلیف مراجعه به حقیقت عرفیه می‌باشد.

هر گاه لفظی نزد عرف در معنایی حقیقت پیدا کند به آن «حقیقت عرفی» می‌گویند. به بیان دیگر به لفظی که نزد عرف برای معنایی خاص وضع شده باشد حقیقت عرفی می‌گویند. مانند لفظ «دابه» که در لغت به معنای جنبنده است، اما نزد عرف به معنای چارپا می‌آید (جمعی از محققان، ۱۳۸۹، ص. ۲۷). دعا و عبادت (استعانت عبادی) در عرف ادیان خطاب به خداوند، ارواح مقدس، فرشتگان و دیگر موجودات الهی می‌باشد و به معنای نیایش و پرستش است. در قرآن کریم دعا به عنوان عبادت نامیده شده است (سوره غافر/۶۰). در روایات و صحیفه سجادیه می‌خوانیم: دعا عبادت است (صحیفه سجادیه، ۱۳۸۸، ص. ۱۹۶؛ مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۱۲، ص. ۳۰).

در قرآن کریم ادعیه فراوانی وجود دارد؛ از جمله دعاهای پیامبران (ع) که حاجت و نیاز خود را از خداوند متعال بدون هیچ واسطه ای درخواست می‌کردند و خدا را برای برآورده شدن حاجت‌ها و نیازهایشان کافی می‌دانستند. با فراخوانی قرآن به درخواست حاجت از خداوند متعال و سفارش قرآن به الگو و سرمشق قرار دادن پیامبر (ص) که در سوره احزاب/۲۱ بیان شده است. همچنین در نهج البلاغه چنین آمده است: «از راه و رسم پیامبرتان پیروی کنید که بهترین راهنمای هدایت است. رفتارشان را با روش پیامبر (ص) تطبیق دهید که هدایت‌کننده‌ترین روش هاست» (نهج البلاغه، ۱۳۸۶، ص. ۱۴۹). با استفاده از این مطالب مشاهده می‌کنیم که برای حاجت‌خواهی از اولیا در ادله فقهی جوازی بیان نشده است؛ بلکه از آن نهی شده است. اما مکرر به طلب حاجت از خداوند متعال تأکید شده است.

برخی آیات شریفه جوازی برای حاجت‌خواهی عادی از انسان‌ها (سوره کهف/۹۵- مرا به نیروی انسانی یاری دهید.) و درخواست دعا از مقربان می‌باشند. (سوره نساء/۶۴) «گفتند پدر جان برای گناهان ما آمرزش بخواه» (سوره یوسف/۹۷). در عرف ادیان «التماس دعا» از مقربان، مانند آیه مذکور «دعا» محسوب نمی‌شود و اشکال فقهی ندارد؛ فقط استعانت عبادی «دعا»

می‌باشد. فلذا حاجت‌خواهی (عادی و عبادی) نباید با هم خلط شوند. آنچه در این تحقیق مورد بررسی قرار می‌گیرد حاجت‌خواهی ماورایی است که استجاب عادی آن از قدرت انسانی خارج است و مختص خداوند متعال و عبادت می‌باشد و در آیات متعددی به آن اشاره شده است. سوره حمد/۵- سوره بقره/۱۸۶ و سوره غافر/۶۰ ادله‌ای برای حاجت‌خواهی ماورایی از خالق هستند.

برخی از فقها حاجت‌خواهی از اولیا را جایز می‌دانند؛ با این مبنا که اولیا هیچ چیزی انجام نمی‌دهند مگر به اذن خداوند، پس آنها از خداوند درخواست می‌کنند و خلق می‌کنند و درخواست می‌کنند از او پس رزق می‌دهند و بخاطر جایگاه آنها نزد خداوند متعال و بخاطر ولایت آنها بر ما برای آنها هیچ درخواستی یا دعایی رد نمی‌شود (خویی، ۱۴۱۶، ج ۱، ص. ۴۶۶). همچنین بدون «استقلال» حاجت‌خواهی را بلا اشکال می‌دانند (سبحانی، ۱۳۸۰، ص. ۸۵).

در پژوهش حاضر با محوریت عدم حقیقت شرعی برای «دعا» و رجوع به حقیقت عرفیه ادیان، همچنین با استفاده از قرآن کریم و ادله فقهی حکم حاجت‌خواهی استنباط می‌شود. در دو بخش از مقاله حکم فقهی حاجت‌خواهی از اولیا با مبنا قرار دادن توحید عبادی و توقیفیت عبادات بررسی می‌شود. طبق اصل توقیفیت عبادات که کیفیت و کمیت آن توسط شارع مقدس بیان شده است؛ عمل عبادی باید مختص خدا باشد تا با توحیدی عبادی منافات نداشته باشد. چرا که از پرستش غیر خدا نهی شده است. در نتیجه با این ادله فقهی حکم حاجت‌خواهی از اولیا استنباط می‌شود. لازم به ذکر است که در ترجمه آیات شریفه از ترجمه دکتر بهاء الدین خرمشاهی استفاده نموده‌ایم.

۱- عدم حقیقت شرعی بودن دعا

در این بخش حاجت‌خواهی از اولیا با محوریت «عدم حقیقت شرعی بودن دعا» مورد بررسی قرار می‌گیرد. لذا حقیقت لغوی، عرفیه و شرعی را به اختصار توضیح می‌دهیم.

۱-۱ حقیقت لغوی

حقیقت لغوی، به معنای به کار بردن لفظ در معنای موضوع لغوی آن است؛ به بیان دیگر، به استعمال لفظ در معنایی که واضع لغت آن را در آن معنا وضع نموده یا در میان اهل لغت برای آن معنا وضع تعیینی پیدا کرده است، حقیقت لغوی می‌گویند. مانند استعمال لفظ «اسد» در «حیوان درنده» یا لفظ «انسان» در «حیوان ناطق» (جمعی از محققان، ۱۳۸۹، ص. ۴۲۸) وضع حقیقت لغوی به دست واضع لغت است؛ کسی که لغت را وضع می‌کند. مثل سنگ و درخت. (مشکینی، ۱۴۱۶، ص. ۱۱۷-۱۱۸) در علم اصول ثابت شده است که حقیقت عرفیه، مقدم بر حقیقت لغوی می‌باشد (حلی، بی تا، ج ۲، ص. ۸۳۸).

همه الفاظ ابتدا در معنای لغوی استعمال شده‌اند و برای برخی الفاظ توسط شارع مقدس حقیقت شرعی وضع شده و بعضی الفاظ نیز در معنای عرفیه کثرت استعمال دارند. الفاظ «دعا» و «عبادت» حقیقت لغوی دارند. دعا در لغت مطلق «فراخوانی» است که در سوره یونس/۲۵، سوره نوح/۵ و ۶، سوره انفال/۲۴ و سوره نحل/۱۲۵ «دعا» در معنای لغوی به کار رفته است.

عبادت در لغت «خضوع» و «اطاعت» است که در سوره اسراء/۲۴ و سوره حجر/۸۸ به معنای لغوی استعمال شده است. دعا و عبادت علاوه بر حقیقت لغویه، معنای عرفیه نیز دارند.

۲-۱ حقیقت عرفیه

مرحوم طباطبایی در سوره اعراف/۱۹۹ «عرف» را سنت‌ها و سیره‌های زیبای جاری می‌داند که عقلای جامعه آنها را می‌شناسند؛ برخلاف اعمال نادری که عقلای اجتماع منکر آن هستند (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۸، ص. ۳۸۰). امام خمینی (ره) در کتاب انوار الهدایه «عرف» را طرق عقلائیه می‌داند و عرف را چنین تعریف می‌کند: «طرق عقلایی که عقلا داخل سیاستها و معامله‌های خودشان به کار می‌برند» (خمینی، ۱۴۱۵، ج ۱، ص. ۱۹۴).

هر گاه لفظی نزد عرف در معنایی حقیقت پیدا کند به آن حقیقت عرفی می‌گویند؛ به بیان دیگر، به لفظی که نزد عرف برای معنایی خاص وضع شده باشد حقیقت عرفی می‌گویند. مانند لفظ «دابه» که در لغت به معنای جنبنده است، اما نزد عرف به معنای چارپا می‌آید (جمعی از محققان، ۱۳۸۹، ص. ۴۲۷). «دعا» در عرف به معنی طلب فعل به طریق خضوع است (جرجانی، ۱۴۰۴، ج ۱، ص. ۱۵۷).

۳-۱ حقیقت شرعیه

حقیقت شرعیه بحث مهمی است که در حاجت‌خواهی از اولیا مطرح می‌باشد و اثر فقهی زیادی بر آن مترتب است. حقیقت شرعیه به الفاظ و موضوعاتی گفته می‌شود که در شرع برای معانی خاصی تعیین شده‌اند، مانند نماز، روزه، حج و نظائر آن و در واقع، شارع مقدس استعمال این الفاظ را در معانی خاصی، حقیقت قرار داده است (منتظری نجف‌آبادی، ۱۴۰۹، ج ۳، ص. ۴۸۹).

به طور مثال واژه «صلاه» علاوه بر حقیقت لغوی، حقیقت شرعیه هم دارد. در سوره احزاب/۵۶ واژه «صلاه» در معنای لغوی به کار رفته است. اما در سوره اسراء/۷۸ «نماز را هنگام زوال خورشید [در نیمروز] تا تاریک‌نای شب و نیز قرآن‌خوانی را در هنگام سپیده [برای نماز صبح] بر پا دار، که در قرآن‌خوانی سپیده [نماز صبح] [فرشتگان] حضور دارند.» واژه «صلاه» در معنای شرعی بیان شده است. پیامبر (ص) فرمودند: «آنگونه نماز بخوانید که من می‌خوانم.» (مجلسی، ۱۴۱۰، ج ۷۹، ص. ۳۳۵) یعنی برای «صلاه» حقیقت شرعی وضع نمودند که قبلا در این معنا استعمال نمی‌شد. در رابطه با «دعا» انتقال به معنای جدید توسط شارع صورت نگرفته است و چنین استعمالی بیان نشده است. بنابراین «دعا» فقط حقیقت لغوی و حقیقت عرفی دارد. در رابطه با «عبادت» نیز مسئله چنین است یعنی حقیقت لغوی و حقیقت عرفی دارد اما حقیقت شرعیه ندارد. «عبادت» در اسلام تعریف جدیدی ندارد در همان معنایی که قبلا بوده به کار رفته است و در جایی که حقیقت شرعیه ثابت نشود لازم است بر معنای لغوی حمل شود و اثبات حقیقت شرعیه نیاز به دلیل دارد اما برای نفی آن نیازی به دلیل نمی‌باشد. اگر برای لفظی حقیقت شرعیه باشد آن را بر معنی حقیقت شرعیه حمل می‌کنیم. همان طور که برای لفظ «صوم» چنین است. اما اگر برای لفظی حقیقت شرعیه نباشد لازم است که آن را بر حقیقت عرفیه حمل کنیم و اکثر فروع فقه و مسائل آن بر این مبنا هستند.

در کتب فقهی متعددی جمله معروفی داریم: «اگر برای لفظی حقیقت شرعیه نباشد، آن را بر معنای عرفی حمل می‌کنیم.» (اردبیلی، ۱۴۰۳، ج ۱۲، ص. ۱۱۵) با عدم ثبوت حقیقت شرعیه در مورد الفاظ دعا و عبادت، در حاجت‌خواهی از اولیا که مصداقی از دعا و عبادت است ملاک عرف ادیان جهانی می‌باشد.

۲- حقیقت عرفیه دعا در عرف ادیان

در این بخش «نیایش»، «دعا در عرف» و «عدم نقش نیت داعی در حاجت‌خواهی اصطلاحی» مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۱-۲ نیایش

نیایش یعنی با تکریم و تقدیس خدا، چیزی را از او خواستن (گانندی، ۱۴۰۰، ص. ۵۵) فرقی اساسی بین معنای دعا و نیایش نیست. نیایش نوعی دعا کردن است که به معنای عبادت به کار می‌رود، و همین طور دعای مصطلح نیز نوعی عبادت محسوب می‌شود. نیایش سخن گفتن دل‌داده است با دلداری (حسینی، ۱۳۹۴، ص. ۲۶).

نیایش، خواه فردی و خواه گروهی، تجلی اشتیاق درونی انسان برای دریافت جوابی در سکوت است. نیایش، گرایش و کشش به سوی خداست. ریشه نیایش از زبان فارسی ایرانی سانسکریت، به معانی مختلف است؛ از جمله: عبادت، پرستش، دعایی که از روی تضرع و زاری باشد، خواهش، تضرع، زاری (حسینی، ۱۳۹۴، صص. ۲۴-۲۵).

نیایش در معنای دقیق آن، یعنی ستایش همراه با نیازخواهی کاربرد یافته است (مهروش، ۱۳۸۹، ص. ۱۴). می‌توانیم با هر نامی که راضی‌مان می‌کند به درگاه او نیایش کنیم. برخی او را «کریشنا» و گروهی نامش را «خدا» می‌دانند. همه اینها در مقابل یک روح نیایش می‌کنند (گانندی، ۱۴۰۰، ص. ۱۴۰). معمولاً نیایش با اظهار نیاز فرد آغاز می‌شود (ناکامورا، ۱۳۹۶، ص. ۱۶۵). در عرف ادیان «حاجت‌خواهی» نوعی «دعا» است و به معنای «نیایش» کثرت استعمال دارد و نیایش در همه ادیان وجود دارد و محدود به عرف مسلمین نمی‌باشد که خطاب به خدا، موجودات مؤثر در جهان، موجودات خارق‌العاده و خطاب به قدیسان انجام می‌گیرد که چنین نیایشی نیز پرستش «مدعو» محسوب می‌شود. در نتیجه حاجت‌خواهی از موجودات الهی پرستش آنان شمرده می‌شود و پرستش مخصوص خداوند متعال است. لذا در نیایش عبادی مخاطب باید خالق و معبود باشد.

۲-۲ دعا در عرف

قرآن کتاب مسلمانان، همچون یک کتاب دعا در نظر گرفته شده است. در کتب مقدس معهود ادیان ابراهیمی، گونه‌های مختلفی از دعا خود را نشان می‌دهند که رایج‌ترین آنها نیایش (عرض حال و نیازخواهی) است. در بسیاری از ادیان، این ساده‌ترین شیوه دعاست (مهروش، ۱۳۸۹، صص. ۱۰-۲۸).

مسلمین ادعیه ارزشمند و مستندی دارند که مدعو در آنها خداوند متعال می‌باشد. از جمله دعاهای قرآن کریم، صحیفه سجاده و مناجات شعبانیه که ائمه (علیهم السلام) نیازها و ستایش‌های خود را بدون هیچ واسطه‌ای به خداوند عرضه می‌کنند. «سپاس خدایی را که باب حاجت را به روی ما بست جز به سوی خودش» (صحیفه سجاده، ۱۳۸۸، ص. ۲۴). دعا نوعی ذکر و عبادت است. در آیات متعددی به دعا و ذکر اشاره شده است. در سوره مزمل ۸/ درباره «ذکر» چنین می‌خوانیم: «وَ اذْكُرْ اسْمَ رَبِّكَ وَ تَبْتَئِلْ اِلَيْهِ تَتَّيَلَّأُ - وَ نام پروردگارت را یاد کن و از همه گسسته و با او پیوسته شو.»

در قرآن کریم هم به دعاها و حاجت‌خواهی زبانی و آشکار اشاره شده است و هم به دعاهایی که با نفس و جان در خفا صورت می‌گیرد. سوره اعراف/ ۵۵، ۲۰۵ و سوره مریم/ ۳ اختصاص و تأکید به دعاهای قلبی و پنهانی است. در آیات دیگر نیز به دعاهای زبانی اشاره شده است. دعا رابطه عاشقانه «انسان تنها» با «خالق تنها» است. دعا و توفیق حاجت‌خواهی، انرژی و قدرتی است

که در نتیجه خواهش خالصانه از درگاه خداوند به انسان دعاکننده عطا می‌شود. از جمله محرک‌هایی که باعث ایجاد انگیزه دعا در فرد می‌شوند احساس نیاز، لذت و ستایش به درگاه خالق می‌باشد. در دعا باید با عشق و علاقه وافر خدا را خالصانه بخوانیم و به خدا عشق بورزیم.

فاعل دعا می‌تواند خدا یا فرادستان (یعنی از فرادستان به فرودستان) باشد. در این حالت، دعا معنی و دلالت «احضار کردن»، یا «فرمان دادن» (سوره روم/۲۵) را پیدا می‌کند. وقتی دعا از فرودستان به نزد خدا یا سایر موجودات فوق طبیعی (خدایان) باشد، معنی فنی (یعنی قرآنی) «چیزی خواستن از خدا»، «درخواست کردن»، یا «توسل» (سوره زمر/۸) را پیدا می‌کند (ناکامورا، ۱۳۹۶، ص. ۱۲۴).

«دعا» به عنوان «نیایش» نامیده شده است: دعا سخن گفتن یک «من» با یک «تو» است. نیایش انسان را به خدا وصل می‌کند و او را وارد رابطه‌ای شخصی با خدا می‌کند (هایلر، ۱۳۹۲، صص. ۱۷۶۰-۱۷۹۰) وقتی برای به دست آوردن چیزهایی دعا می‌کنید، برای ظهور «نتایج الهی» دعا می‌کنید (پاندر، ۱۳۸۴، ج ۱، ص. ۱۷۲).

حقیقت عرفیه دعا (حاجت‌خواهی مصطلح) و عبادت اصطلاحی در عرف ادیان «نیایش» و «پرستش» است. در عرف ادیان پیروان هر آیین و مذهبی دعاها و حاجت‌های خود را خطاب به موجودات فوق طبیعی و مقدس که به آن اعتقاد دارند عرضه می‌کنند؛ از جمله هندوان خطاب به کریشنا، بودائیان خطاب به بودا، زرتشتیان خطاب به اهورامزدا و آتش، مسیحیان خطاب به مریم مقدس که به عنوان واسطه فیض و باب‌الحوائج بین خالق و مخلوق می‌دانند. از آنجایی که عرض حاجات فوق طبیعی پرستش هستند؛ لذا مختص خداوند می‌باشد و باب الحوائج هم فقط خالق یکتا است.

۲-۳ عدم نقش نیت داعی در حاجتخواهی اصطلاحی

آتش نزد زرتشتیان نشان مقدس اهورامزدا است، دعاهایشان خطاب به اهورامزداست: اهورامزدا! آن (دانش) را به من نیز «که به تو دل‌بسته و پناه آورده‌ام» ارزانی دار (هارتس، ۱۴۰۰، صص. ۲۲-۴۰). مسیحیان در مورد تثلیث اختلاف نظر دارند و برخی مسیحیان قائل به تثلیث (پدر، پسر، روح القدس) هستند و حضرت مریم را «اله» نمی‌دانند. فقط حاجت‌هایشان را بر مریم مقدس عرضه می‌کنند و از او استمداد می‌طلبند. در مقابل مریم مقدس زانو می‌زنند و شفاعت و دعای خیر او را می‌طلبند. از مریم مقدس می‌خواهند که وسیله ارتباط با خدا باشد؛ هندوان نیز در پی ارتباط با خدا از طریق تندیس‌های سنگی هستند (گاندی، ۱۴۰۰، ص. ۲۰۱).

مسیحیان مریم را خدا نمی‌دانستند ولی در عین حال در برابر او و مجسمه‌اش مراسم عبادت را انجام می‌داده‌اند، همان طور که بت‌پرستان بت را خدا نمی‌دانستند ولی شریک خدا در عبادت تصور می‌کردند. مسیحیان مریم را تنها مادر خداوند می‌دانند با این که در عمل، مراسم نیایش و پرستش را در برابر او دارند و همین مقدار در روشنگری (سوره مائده/۱۱۶) کافی است (ارباب سلیمانی، ۱۴۰۰، صص. ۲۴-۲۵).

وقتی خداوند متعال از چنین استمدادی در سوره مائده/۱۱۶ نهی می‌کند؛ پیامی که می‌توان گرفت این است که چنین نیایشی و استمداد ماورائی «عبادت» محسوب می‌شود و باید خطاب به خداوند یکتا باشد. زیرا عبادت و نیایش فقط مخصوص خداست و غیر خدا را نباید عبادت کرد. هر چند برخی از فرقه‌ها از جمله فرقه مریمیه (مریمی‌ها) قائل به تثلیث ثانی (عیسی، مریم، یوسف نجار) هستند و حضرت مریم (س) را پرستش می‌کنند (بزرگی، ۱۴۰۰، صص. ۳۳۵-۳۳۷-۳۴۲). اما این فرقه‌ها بعداً تشکیل شده و در اقلیت هستند و اکثر مسیحیان مریم (س) را «اله» نمی‌دانند؛ بلکه فقط از حضرت مریم (س) استمداد می‌طلبند.

ماورایی با هر عنوانی که باشد محل اشکال است. در سوره زمر/۳ (ما را با تقریبی به خداوند نزدیک گردانند). و سوره احقاف/۲۸ (مایه تقریبشان شود). بت‌ها را بدون نیت الوهیت و استقلال، وسیله نزدیکی به خدا می‌پنداشتند و قصدشان تقرب به خداوند بود؛ ولی از اعمال آنها نهی شده است. چنین نهی‌ای هم افاده حرمت می‌کند؛ زیرا قرینه‌ای بر جواز آن وجود ندارد. با توجه به سوره مائده/۱۱۶ «ای عیسی بن مریم آیا تو به مردم گفتی که من و مادرم را همچون دو خدا به جای خداوند بپرستید؟» عدم قصد و نیت «اله» هم تأثیری بر دعا نبودن و جواز حاجت‌خواهی و استمداد از اولیا نمی‌باشد؛ زیرا حضرت مریم (س) جزء تثلیث (پدر، پسر، روح القدس) نیست؛ ولی در سوره مائده/۱۱۶ از حضرت مریم (س) به عنوان «اله» یاد شده است. خداوند متعال چنین استمداد و دعایی را در مقابل غیر خدا نهی فرموده است. زیرا در چنین استمدادی مدعو «اله» محسوب می‌شود. برخی از دعاها همچنین خطاب به بت‌ها صورت می‌گرفت (سوره اعراف/۱۹۴- سوره احقاف/۵) و خداوند در قرآن کریم از خواندن آن نهی فرموده است. زیرا در نگاه قرآن چنین خواندنی، نیایش محسوب می‌شود و از نیایشی که عبادت باشد در مقابل بت‌ها و اشخاص نهی شده است. خواستن از خدا و خواستن از اولیا هر دو دعا است و دعای عبادی مختص ذات احدیت است. همه این طلب حوائج در عرف ادیان، دعا و عبادت محسوب می‌شود؛ هرچند نیت استقلال و الوهیت نداشته باشند. پس انگیزه و نیت داعی در حاجت‌خواهی و تحقق «دعا» نقشی ندارد. همان طوری که مسیحیان دعا و عبادتشان را در مقابل تندیس حضرت مریم (س) انجام می‌دادند، بدون آنکه برخی از مسیحیان به الوهیت مریم مقدس قائل باشند. ولی خداوند متعال از چنین دعا و طلب حوائجی بدون نیت استقلال نهی کرده است و حاجت‌خواهی از اولیا نیز چنین است و از آن نهی شده است. حاجت‌خواهی (دعای عبادی) باید بدون هیچ واسطه‌ای خطاب به خداوند باشد و در سوره بقره/۱۸۶ دستور به حاجت‌خواهی مستقیم از خداوند متعال شده است.

۳- عبادت بودن دعا

در این بخش «تعریف دعا»، «تعریف عبادت»، «رابطه حاجت‌خواهی اصطلاحی با دعا و عبادت از نسب اربعه» و «دعا بودن حاجت‌خواهی از قدیسان» بیان می‌شود.

۱-۳ تعریف دعا

در آیات متعددی «دعا» در معنای مصطلح (نیایش) بیان شده است. از جمله: سوره ابراهیم/۴۰ و سوره حج/۱۲ دعا در لغت ندا و استدعاء است، می‌گویی فلانی را دعوت کردم، او را فرا خواندم و صدا زدم. (حلی، ۱۴۰۷، ص. ۱۲) دعا یعنی ارتباط و اتکال انسان با خدا، آن وقتی هم که انسان در اوج قدرت و پیروزی است باز هم محتاج دعا است؛ باید با خدا حرف بزند، باید از خدا بخواهد. معنای دعا این است که شما با خدا حرف بزنید؛ خدا را در مقابل خود احساس کنید و حاضر و ناظر بدانید. «دعا» خواندن خداست. دعا، یعنی خواستن و خدا را خواندن (خامنه‌ای، ۱۳۹۳، صص. ۲۳-۲۴-۲۶).

تعریف «دعا» که «طلب حاجت از خداوند» است. (الآصفی، ۱۳۸۷، ص. ۱۱) قابل نقد می‌باشد. زیرا این تعریف با آنچه که در قرآن کریم مکرر اشاره شده و از مباحث مهم قرآن به شمار می‌آید تفاوت چشم‌گیری دارد. در قرآن کریم دعا، استعانت عبادی (سوره حمد/۵) چه خطاب به خدا (سوره بقره/۱۸۶، سوره اعراف/۱۲۸) یا موجودات دیگر (سوره نحل/۲۰، سوره اسراء/۵۶ و ۵۷) باشد؛ هر دو «دعا» نامیده شده است و از نیازخواهی از غیر خدا (سوره احقاف/۵) حتی بدون نیت الوهیت: «ما را با تقریبی به خداوند نزدیک گردانند.» (سوره زمر/۳) نهی شده است. همچنین تعریف دعای مصطلح را به عبادی و غیر عبادی تقسیم

کردن صحیح نیست. چرا که در این صورت تعریف دعا در اصطلاح با تعریف دعا در لغت خلط می‌شود. لذا برای حاجت‌خواهی از اولیا جوازی صادر نشده و استعانت عبادی (سوره غافر/۶۰) مختص خداست.

۲-۳ تعریف عبادت

در سوره‌های متعددی «عبادت» در معنای اصطلاحی «پرستش» بیان شده است. از جمله: سور مریم/۴۴ و یس/۶۱ «و العباده فی اصطلاح الفقهاء عبارة عن العمل المأتی به بقصد القرب الی الله تعالی» (مشکینی، ۱۳۹۲، ص. ۲۲۲). عبادت در اصطلاح فقهی، یعنی در اصطلاح اسلامی، هر عملی است که به قصد قربت صورت گیرد، یا هر عملی است که برای امتثال و اطاعت امر الهی و تقرب به خداوند به جای آورده شود (صدر، ۱۴۰۱، صص. ۱۳-۱۴). عبادت، مرکب تقرب و نزدیک شدن به خداوند و در واقع برای تکامل واقعی بشر است (مطهری، ۱۳۹۷، صص. ۶۱-۱۲۸). عبادت خالص کردن عمل به صورت کلی برای خدای متعال و توجه پیدا کردن به خدا است (عبدالرحمان، بی تا، ج ۲، ص. ۴۶۹).

عبادت قسمی از خضوع است که نهایت درجه‌ی آن از توجه پیدا کردن قلب به عظمت معبود نشأت می‌گیرد. عظمت معبود را به صورتی درک می‌کند که اصلاً منشأ آن را نمی‌فهمد که از چه چیزی است و به سلطه‌ی پروردگار اعتقاد پیدا می‌کند که اصلاً کنه و ماهیت آن را درک نمی‌کند و به آن احاطه پیدا می‌کند ولی نهایت ادراکش را درک نمی‌کند که چقدر به آن ادراک دارد (بلاغی، بی تا، ج ۱، صص. ۵۸-۵۹).

این تعریف خالی از قصور نیست. چون که بعضی از مصادیق عبادت را در بر می‌گیرد، زیرا بعضی از نمازها اصلاً خضوع و خشوع ندارند. چه بسا خضوع یک عاشقی جلوی معشوقش و خضوع سربازی جلوی فرمانده‌اش بیشتر از خضوعی باشد که بسیاری از مؤمنان در مقام دعا و نماز و عبادت در مقابل پروردگار انجام می‌دهند. ولی با این حال خضوع عاشق و سرباز را عبادت نمی‌گویند، ولی به خضوع مؤمنین جلوی پروردگارشان هرچند که کمترین درجه‌ی خضوع را داشته باشند عبادت می‌گویند (سبحانی، ۱۴۲۶، ص. ۹۱).

عبادت در اصطلاح عام، پرستش معبود است که معادل انگلیسی «worship» است. لفظ «عبادت» حقیقت شرعیه ندارد که در این صورت تکلیف مراجعه به حقیقت عرفیه جهانی است. در عرف ادیان نیازخواهی ماورایی پرستش نامیده می‌شود. طبق ادله قرآنی (سوره غافر/۶۰) و فقهی «دعا عبادت است» (مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۱۲، ص ۳۰). پس دعای عبادی مخصوص خداوند متعال است. تمام اعمال عبادی باید برای خداوند باشد و عبادت غیر خدا جوازی ندارد، بلکه از آن نهی شده است. در عرف ادیان خضوع همراه با نیازخواهی، عبادت شمرده می‌شود و نیایش (حاجت‌خواهی)، عبادت برای «مدعو» است؛ هر چند «داعی» نیت عبادت هم نداشته باشد. زیرا در کلام الله مجید از آن نهی شده است و چنین نیایشی در مقابل موجودات الهی در عرف همه ادیان پرستش است. از آنجایی که پرستش مختص خداوند است، بنابراین نیایش عبادی هم باید برای خداوند متعال باشد و حاجت‌خواهی از اولیا جوازی ندارد.

۳-۳ رابطه حاجت‌خواهی اصطلاحی با «دعا» و «عبادت» از نسب اربعه

«دعا» اعم از حاجت‌خواهی است و همه مصادیق دعا را شامل می‌شود؛ یکی از این مصادیق «حاجت‌خواهی» است که قسمی از دعا می‌باشد. شمول دعا بر حاجت‌خواهی از نسب اربعه عموم و خصوص مطلق است. گاهی انسان با خدا «نجوا» می‌کند اما این نجوا با خداوند با اینکه دعا و عبادت محسوب می‌شود اما طلب حاجت نیست. به عنوان مثال شکر و سپاس از معبود دعا و عبادت است، اما طلب حاجت نیست. در حاجت‌خواهی انسان نیاز خود را از خداوند طلب می‌کند که این درخواست حوائج دعا و عبادت می‌باشد. رابطه «حاجت‌خواهی» با «عبادت» نیز عموم خصوص مطلق است. به طور مثال روزه، حج، جهاد عبادت هستند ولی حاجت‌خواهی نیستند.

۴-۳ دعا بودن حاجت‌خواهی از قدیسان

با توجه به آیاتی از قرآن کریم دعا و حاجت‌خواهی ماورایی عبادت است. همان طوری که در روایت بیان شده است: «دعا عبادت است» (مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۱۲، ص ۳۰). «الدعاء مخ العباده» (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۷، ص ۲۷) دعا مخ عبادت همه ادیان است (مهروش، ۱۳۸۹، ص ۹۷). معنی واقعی نیایش چیزی جز عبادت صمیمانه و خالصانه نیست (گاندی، ۱۴۰۰، ص ۴۹). در تفسیر سوره حمد چنین می‌خوانیم: «الله کسی است که هر مخلوقی موقع حوائج شدید او را عبادت می‌کند موقعی که از هر که جز او نومید گشته و رشته سبب همه ما سوی الله قطع گردیده است. پس می‌گوید: «بسم الله الرحمن الرحيم» یعنی بر تمام کارهایم از خدایی استعانت می‌جویم که عبادت جز او جایز نیست: مغیث و فریادرس آنگاه که استغاثه کنند و مجیب و اجابت کننده آنگاه که خواننده (دعا) شود» (امینی، ۱۳۹۵، صص ۲۱-۲۲).

در سوره مبارکه یونس/۱۰، غافر/۶۰ و مریم/۴۸ «دعا» در معنای اصطلاحی بیان شده است. «إِيَّاكَ نَسْتَعِينُ» هر گونه استعانت عبادی را شامل می‌شود. در سوره جن/۱۸ از خواندن غیر خدا نهی شده است. در ادعیه می‌خوانیم: «دعای بندگان را به درگاهت عبادت نام کردی.» (صحیفه سجاده، ۱۳۸۸، ص ۱۹۶) موضوع دعا، موضوع عبادت (پرستش) است. (سوره انعام/۶) از این رو، دعا چیزی است که پاره‌ی اساسی و ذاتی عبادت به حساب می‌آید یا حتی با آن برابر است (سوره غافر/۷۴ - سوره جن/۲۰-۱۸) (ناکامورا، ۱۳۹۶، ص ۱۲۴).

«وَأَنَّ الْمَسَاجِدَ لِلَّهِ فَلَا تَدْعُوا مَعَ اللَّهِ أَحَدًا» - و همه مسجدها خاص خداوند است، پس در جنب خداوند هیچ کس را [به پرستش] نخوانید.» (سوره جن/۱۸) این آیه عطف است بر آیه «أَنَّهُ اسْتَمَعَ» و جمله «أَنَّ الْمَسَاجِدَ لِلَّهِ» به منزله تعلیل برای جمله بعد است که می‌فرماید: «پس با خدا احدی را نپرستید و نخوانید.» پس در حقیقت تقدیر آیه چنین است: «لا تدعوا مع الله احدا غیره لان المساجد لله - با خدا احدی غیر او را نخوانید، برای اینکه مساجد تنها مال او است.» مراد از «دعا» عبادت و پرستش است. در سوره غافر/۶۰ هم عبادت را دعا و دعا را عبادت خوانده است (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۲۰، ص ۷۶).

در قرآن کریم برای درخواست حوائج از خداوند متعال مصادیق زیادی بیان شده است. از جمله دعا و حاجت‌خواهی مادر حضرت مریم (س) در سوره آل عمران/۳۶، دعای حضرت زکریا (ع) در سوره آل عمران/۳۸، دعای حضرت مریم (س) در سوره مریم/۱۸، دعای عباد الرحمن در سوره فرقان/۷۴، دعای راسخان در علم؛ در سوره آل عمران/۸ و حاجت‌خواهی حضرت عیسی بن مریم (ع) از خداوند متعال در سوره مائده/۱۱۴ می‌باشد. با توجه به آیات شریفه فوق‌الذکر می‌توان چنین بیان کرد

که در دعا، فقط خداوند باید مورد خطاب واقع شود و در سوره غافر/ ۶۰ خداوند سفارش به درخواست کردن حاجات از خودش را بیان فرموده است. «حاجت خواهی» چه خطاب به خداوند یا قدیسان باشد دعا و عبادت است. پس دعای صحیح (استعانت عبادی) آن است که مدعو «خداوند» باشد.

۴- اصل توقیفیت عبادات

در این بخش «توقیفیت حاجت خواهی عبادی» و «پرستش در حاجت خواهی اصطلاحی» بیان می‌شود.

۱-۴ توقیفیت حاجت خواهی عبادی

احکام خدا توقیفی است یعنی متوقف بر کتاب خدا و سنت رسول اکرم (ص) و اهل بیت اطهار (ع) است (مرعشی نجفی، ۱۴۱۵، ج ۱، ص. ۱۰۷). وقتی عبادت توقیفی از شارع باشد؛ وجوب، استحباب، تعدد، اتحاد، کمیت، کیفیت و مثل این‌ها را دارد. پس واجب متوقف بر چیزی است که ما از قول یا عمل پیامبر (ص) و اهل بیت (ع) می‌فهمیم و نهایت چیزی که ما از اخبار می‌فهمیم جواز است. پس عبادات شرعی توقیفی از شارع است. یعنی به صورت کلی کیفیت عمل از شارع است و باید بر امر شارع متوقف باشد (بحرانی آل عصفور، ۱۴۰۵، ج ۱۰، صص. ۲۰۸-۴۷۱).

هنگامی که عنوان «توقیفیه» به کار می‌رود توجه به چگونگی و ساختار عمل است از نظر کیفی و کمی مثلاً نماز یک عمل توقیفی است یعنی نمی‌توان یک نماز هشت رکعتی خواند و توقیفیه احکامی است که شارع آن را بدو و رأساً تأسیس کرده و دخل و تصرف در آنها ممنوع است؛ مانند عبادات (میرزای قمی گیلانی، ۱۴۱۳، ج ۱، ص. ۱۷۶). عبادت توقیفی از شارع است؛ یعنی متوقف بر اینکه شارع مشخص کند چه عملی عبادت است. فقط به قول یا فعل یا تقریر معصوم (ع) که از طرف خدا رسیده است، فعلی مشروع می‌شود (بحرانی آل عصفور، ۱۴۲۳، ج ۲، ص. ۱۸). پس عبادت امری توقیفی است که محتاج به مشروعیت شارع دارد تا به آن امر شود (خویی، ۱۴۱۸، ج ۱۴، ص. ۳۲۴).

استعانت عبادی در مقابل هر گونه موجودی حتی بدون نیت الوهیت، پرستش محسوب می‌شود. بنابراین حاجت خواهی از اولیا، پرستش اولیا است و از آنجایی که عبادات توقیفی است و از عمل عبادی بدون اذن شارع در مقابل غیر خدا نهی شده است و عبادات مختص خداوند متعال است. لذا با ادله قرآنی (سوره نمل/ ۶۲ و سوره غافر/ ۶۵-۶۶) و فقهی: «ای خدای من! هر حاجتی که دارم از تو درخواست می‌کنم» (صحیفه سجادیه، ۱۳۸۸، ص. ۲۵۵). وجوب مدعو بودن خداوند در حاجت خواهی عبادی اثبات می‌شود و حکم فقهی حاجت خواهی از اولیا حرمت می‌باشد.

۲-۴ پرستش در حاجت خواهی اصطلاحی

پرستش معمولاً شریفترین گونه دعا دانسته می‌شود. هر چند میان اقوام ابتدایی دعاهای نیازخواهانه پر دامنه‌ترین‌اند. گونه‌ای از خدایان در اقوام بدوی متعلق عبادت و حاجت خواهی قرار می‌گیرند. دعا برای بدویان هنگام نیاز معنادار و مکانمند است و خدا را در آن مکان می‌پرستد (مهروش، ۱۳۸۹، صص. ۳۶-۶۰-۶۱-۷۱-۷۲).

وقتی عبادت توفیقی باشد و حاجت‌خواهی ماورایی (سوره حمد/۵) با ادله قرآنی (سوره نساء/۱۷۲-سوره مریم/۴۸، ۴۹-سوره غافر/۶۰، ۶۶-سوره جن/۱۸) و فقهی (دعا مغز عبادت است.) و عرفی (نیازخواهی پرستش است.) در شمار عبادات باشد؛ پس حاجتخواهی از غیر خدا با توفیقیت عبادات منافات دارد و پرستش «مدعو» محسوب می‌شود. لذا مخاطب در دعا، موجودات الهی، قدیسان یا اولیا باشند هیچ تفاوتی ندارد. چرا که چنین دعایی عبادت محسوب می‌شود و عدم نیت داعی در استقلال و الوهیت نیز در دعا و عبادت بودن حاجت‌خواهی ماورایی نقشی ندارد و جوازی برای استمداد از اولیا صادر نشده است. فلذا حرمت استعانت عبادی از اولیا استنباط می‌شود. بنابراین دعای عبادی مختص خداوند متعال است.

۵- توحید عبادی

در این بخش «توحید در استعانت عبادی» و «حرمت حاجت‌خواهی از اولیا» مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۱-۵ توحید در استعانت عبادی

قرآن توحید عبادی و نفی هر معبودی غیر از خداوند را بر مسئله توحید در خالقیت و ربوبیت مبتنی ساخته است: «چنین است خداوند، پروردگارتان، که آفریننده همه چیز است، خدایی جز او نیست» (سوره غافر/۶۲)، «آیا آفریدگاری غیر از خداوند است که شما را از آسمان و زمین روزی دهد؟ خدایی جز او نیست» (سوره فاطر/۳) و پرستش هرگونه اله دیگری را فاقد برهان و به کلی مردود دانسته: «و هر کس در جنب خداوند خدایی دیگر پرستد که در این کار حجتی ندارد» (سوره مؤمنون/۱۱۷) و آن را مستوجب عذاب الهی معرفی کرده است: «و در جنب خداوند، به خدایی دیگر قائل مشو» (سوره اسراء/۳۹) (مرکز فرهنگ و معارف قرآن، ۱۳۸۲، ج ۴، ص. ۱۹۷).

سوره بینه/۵ به محورهای اساسی ادیان الهی، یعنی توحید و عبادت اشاره می‌کند. یکی از محورهای اساسی و مشترک ادیان الهی عبارت‌اند از: پرستش خالصانه‌ی خدا، یعنی توحید عبادی (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۷، ج ۲۲، ص. ۲۹۳). توحید عبادی اساس تعالیم انبیا است: «و ما پیش از تو هیچ پیامبری نفرستادیم، مگر آنکه به او وحی می‌فرستادیم که خدایی جز من نیست، پس مرا پرستید» (سوره انبیاء/۲۵). «و از [پیروان] پیامبران ما، کسانی که پیش از تو فرستاده‌ایم بپرس، که آیا به جای خداوند رحمان، خدایانی را حکم کرده‌ایم که پرستیده شوند؟» (سوره زخرف/۴۵) (هاشمی رفسنجانی، ۱۳۸۳، ج ۵، ص. ۷۲).

توحید عبادی (سوره بقره/۲۱، ۲۲) از فرمانهای مؤکد خداوند است (هاشمی رفسنجانی، ۱۳۸۳، ج ۹، ص. ۱۶۷). جمله «فَلَا تَجْعَلُوا لِلَّهِ أُندَاداً - پس برای او همتا نیاورید»، بعد سلبی توحید عبادی است که بعد اثباتی آن در صدر آیه ذکر شده «اعْبُدُوا رَبَّكُمُ - پروردگارتان را پرستید» و علت تقدم بعد ایجابی آن است که در فطرت آدمی اصل بر توحید است (دهقان، ۱۳۸۷، ج ۱، ص. ۷۶). توحید عبادی یعنی مردم باید تنها او را پرستند و غیر او شایسته پرستش نیست (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۷، ج ۲۲، ص. ۳۹۴). عبادات اعمالی هستند که آدمی آن‌ها را برای خداوند متعال انجام می‌دهد. شخص باید عبادت را فقط برای خدا و در راه خدا و با اخلاص و صدق انجام دهد (صدر، ۱۳۹۸، ص. ۵۱).

قرآن دعایی که نیایش و پرستش (استعانت عبادی) باشد را مخصوص خدا می‌داند. پس با توجه به تلازم واژه‌های «دعا و عبادت» نتیجه چنین می‌شود که اگر «دعا» و طلب حوائج عبادت باشد، حاجت‌خواهی پرستش معبود محسوب می‌شود. فلذا باید تنها از خداوند طلب حاجت کرد و فقط خدا را عبادت کرد؛ زیرا حاجت‌خواهی از اولیا پرستش غیر خدا محسوب می‌شود؛ در نتیجه از حاجت‌خواهی از اولیا نهی شده است و نهی‌ای هم که توسط شارع مقدس تخصیص و جوازی برای آن بیان نشده باشد، افاده حرمت می‌کند. برای اینکه حاجت‌خواهی اصطلاحی با توحید عبادی (سوره غافر/۶۵) منافات نداشته باشد، باید خطاب به خالق و معبود باشد.

۲-۵ حرمت حاجت‌خواهی از اولیا

«إِيَّاكَ نَعْبُدُ» یعنی تو را بندگی می‌کنم و «إِيَّاكَ نَسْتَعِينُ» هر گونه استعانت عبادی (دعا) را شامل می‌شود. عبادت که سبب قرب است آن را به سوی خداوند متعال وسیله ساخته‌ایم. (مجلسی، ۱۴۱۴، ج ۴، صص. ۶۶-۶۷). امام سجاد (ع) فرمودند: «وسیله‌ی من به درگاهت، توحیدم بود» (صحیفه سجادیه، ۱۳۸۸، ص. ۲۴۴). عبادت و استعانت مخصوص خداوند متعال است که روزانه در نمازهای پنجگانه می‌خوانیم. «إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَ إِيَّاكَ نَسْتَعِينُ» (سبحانی، ۱۴۱۶، ص. ۱۰). در سوره ذاریات/۵۶ هدف از آفرینش جن و انسان «عبادت» بیان شده است. در حدیث می‌خوانیم: «خدای عزوجل بندگان را خلق نکرد مگر اینکه خدا را بشناسند. پس وقتی که شناختند خدا را عبادت می‌کنند، وقتی که خدا را عبادت بکنند از عبادت غیر خدا بی‌نیاز می‌شوند» (صدوق، ۱۳۸۶، ج ۱، ص. ۹).

عبادت و دل‌سپردگی، پیش فرض و بنیان ضروری نیایش و ستایش و تعلق درونی است (هایلر، ۱۳۹۲، ص. ۱۷۷۹). «از گنجینه‌های رحمت او چیزهایی را درخواست کن که جز او کسی نمی‌تواند عطا کند» (نهج البلاغه، ۱۳۸۶، ص. ۳۷۷). توحید معبود در توحید عبادی جای می‌گیرد. توحید معبود یعنی غیر خدا احدی مستحق معبودیت نیست (لاری، ۱۴۱۸، ص. ۱۱۰). در قرآن بر توحید تاکید گردیده و یکی از معانی توحید؛ بندگی کردن فقط برای خداست (مرادی، ۱۴۰۰، ص. ۸۷).

عبادت نوعی تجسم دادن و ترسیم کردن عبودیت و مملوکیت و اظهار حاجت به خدا است (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۴، ص. ۱۶۹). عمده‌ترین اختلاف پیامبر عالی قدر اسلام (ص) با اعراب جاهلی در این بود که آن حضرت (ص) از پرستش بتان و نیازخواهی از آن‌ها نهی می‌کرد. رفتار هندوان و بوداییان با مجسمه‌هایشان با رفتاری که بت پرستان حجاز در عصر جاهلیت با بت‌های خودشان داشته‌اند، از نظر ماهیت فرقی ندارد و در هر دو مورد از آن مجسمه‌های بی‌جان حاجت خواسته می‌شود. بتان در مواردی مجسمه نیاکان بوده‌اند. در عصر حاضر نیز تقریباً نیمی از جمعیت جهان در قالب هندوئیسم، جینیسم، بودیسم، سینتو و... بت می‌پرستند (توفیقی، ۱۳۸۹، صص. ۱۲-۱۳-۷۴-۷۵).

برخی از فقها حاجت‌خواهی از اولیا را جایز می‌دانند؛ عبادت را آن خضوع عملی و یا لفظی و زبانی می‌دانند که از اعتقاد به الوهیت سرچشمه می‌گیرد و عقیده را دلیل می‌دانند که به عمل رنگ عبادت می‌دهد و عمل بدون عقیده را عبادت نمی‌دانند و درخواست دعا و درخواست انجام فعل را از نظر دلیل یکسان می‌دانند و هرگز عبادت ارواح مقدس و پرستش آنها نمی‌دانند. با این مبنا که درخواست کننده، به الوهیت و ربوبیت آنها معتقد نیست و آنها را خدا (ولو خدای کوچک) نمی‌داند و اصالت و

استقلالی بر آنها قائل نیست (سبحانی، ۱۳۸۰، صص. ۶۹- ۸۴- ۸۵). با این عنوان که اولیا در پیشگاه خدا آبرومندند، عزیزند، سربلندند ولی آنها را مستقل در تأثیر ندانیم؛ خلاف نیست (مکارم، ۱۴۲۸، ص. ۲۳۷).

حاجت‌خواهی عادی (سوره کهف/۹۵) با درخواست انجام فعل از ارواح مقدس (حاجت‌خواهی ماورایی) یکسان نیست. حاجت‌خواهی (عادی و ماورایی) نباید با هم خلط شوند؛ درخواست دعا از مقربان (سوره یوسف/۹۷) دعا نمی‌باشد. حاجت-خواهی طبیعی و درخواست دعا از مخلوقات با ادله قرآنی، عقلی و عرفی جایز است. اما جوازی بر استعانت عبادی (سوره حمد/۵- سوره غافر/۶۰) از غیر خدا حتی بدون نیت الوهیت و استقلال (سوره زمر/۳) در ادله معتبر فقهی وجود ندارد؛ بلکه از آن نهی شده است و نهی هم افاده حرمت می‌کند. فلذا با توجه به توقیفیت عبادات و توحید عبادی حکم فقهی حاجت‌خواهی از اولیا «حرمت» می‌باشد.

توحید عبادی مخصوص خالق و معبود است و از عبادت غیر خدا نهی شده است. همه مخلوقات از جمله اولیا، فرشتگان و قدیسان مشمول غیر خدا هستند. حاجت‌خواهی که در عرف ادیان «نیایش» نامیده می‌شود «پرستش» مدعو است که به خاطر توقیفیت عبادات فقط باید خطاب به خداوند باشد تا با توحید عبادی منافات نداشته باشد. طبق توحید عبادی تنها معبود حقیقی خدا است و هر گونه رفتار و حاجت‌خواهی عبادی مختص خداوند متعال است و نباید غیر خدا را عبادت کرد؛ چرا که از آن نهی شده است و نهی‌ای که جوازی برای آن نباشد افاده حرمت می‌کند. لذا با توجه به عدم ادله فقهی برای جواز حاجت‌خواهی از اولیا، حکم فقهی آن حرمت می‌باشد.

نتیجه‌گیری:

شارع مقدس برای الفاظ «دعا» و «عبادت» حقیقت شرعیه وضع نکرده و در همان معنایی که قبل از اسلام در ادیان استعمال می‌شد به کار رفته است و اینکه «دعا» و «عبادت» حقیقت شرعیه ندارند مطابق اصل است. طبق ادله فقهی وقتی لفظی حقیقت شرعیه نداشته باشد تکلیف مراجعه به حقیقت عرفیه می‌باشد که در عرف جهانی حاجت‌خواهی ماورایی نوعی دعا و عبادت شمرده می‌شود و حقیقت عرفیه دعا و عبادت «نیایش» و «پرستش» است که در این معانی کثرت استعمال دارند و نیایش خطاب به خدا، موجودات الهی و قدیسان است و عدم نیت استقلال داعی در دعا و عبادت بودن حاجت‌خواهی نقشی ندارد. چرا که مسیحیان در برابر تندیس و مجسمه حضرت مریم (س) اعمال عبادی و نیایش خود را برای خدا انجام می‌دهند بدون اینکه عده‌ای از آنان برای مریم مقدس مقام الوهیتی قائل باشند. ولی در قرآن کریم از حاجت‌خواهی حتی بدون نیت الوهیت در مقابل قدیسان نهی شده است.

در کتب متعدد تعریف دعا در اصطلاح را محدود به «خواستن از خدا» می‌دانند که چنین تعریفی با ادله قرآنی و فقهی منطبق نیست و قابل نقادی می‌باشد. چرا که «خواستن از خدا» شرط صحت و مشروعیت دعا است نه تعریف دعا. همچنین در آیات شریفه از دعای عبادی در مقابل بت‌ها نهی شده است. در حالی که در تعاریف به دعا بودن حاجت‌خواهی از قدیسان و اولیا اشاره نشده است. در ادله فقهی و قرآن کریم دعای مصطلح (نیایش) به عنوان عبادت نامیده شده است. لذا تقسیم کردن دعای مصطلح به عبادی و غیر عبادی صحیح نیست که در این صورت تعریف دعا در اصطلاح با تعریف دعا در لغت خلط می‌شود.

هر گونه حاجت‌خواهی ماورایی (نیایش) که در عرف ادیان توحیدی و غیر توحیدی خطاب به خدا یا قدیسان باشد، دعا و پرستش «مدعو» محسوب می‌شود و عدم نیت داعی در استقلال، الوهیت و در طول خدا دانستن در حاجت‌خواهی از اولیا در تحقق دعا و عبادت نقشی ندارد. لذا دعای مشروع و عبادی مختص خداوند متعال است.

با توجه به اصل توفیقیت عبادات که کیفیت و کمیت آن توسط شارع مقدس مشخص شده است؛ استعانت عبادی که در عرف ادیان نیایش و پرستش مدعو (خدا یا موجودات الهی) است؛ باید مختص خداوند باشد تا با توفیقیت عبادات منافات نداشته باشد. زیرا با توجه به ادله فقهی و عرف ادیان دعا و عبادت تلازم دارند و عبادت غیر خدا بدون وضع و تشریح شارع مقدس باعث حرمت عمل عبادی می‌شود. همچنین طبق مبنای «توحید عبادی» از پرستش غیر خدا نهی شده است و هر گونه دعایی که عبادی است باید خطاب به خالق یکتا باشد.

طبق مبنای فوق‌الذکر استعانت عبادی (حاجت‌خواهی ماورایی) از موجودات الهی، قدیسان و اولیا دعا و عبادت می‌باشد و از حاجت‌خواهی عبادی از غیر خدا نهی شده است و نهی‌ای هم که از طرف شارع مقدس قرینه‌ای برای جواز آن صادر نشده باشد افاده حرمت می‌کند. در نتیجه حکم فقهی حاجت‌خواهی از اولیا حرمت می‌باشد.

منابع:

قرآن کریم

نهج البلاغه. (۱۳۸۶). خطبه ۱۱۰، نامه ۳۱. قم: انتشارات ارم.

صحیفه سجاده. (۱۳۸۸). دعای ۱، دعای ۴۵، دعای ۴۹، دعای ۵۱. انتشارات دیوان.

ارباب سلیمانی، حمید رضا. (۱۴۰۰). سیمای مسیح و مریم در آینه قرآن. چ ۱. قم: نشر ادیان.

اردبیلی، احمد بن محمد. (۱۴۰۳). مجمع الفائده و البرهان فی شرح ارشاد الأذهان. ج ۱۲، چ ۱. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه.

الأصفی، محمد مهدی. (۱۳۸۷). الدعاء عند اهل البيت (ع). منشورات جامعه المصطفی (ص) العالمیه.

امینی، عبدالحسین. (۱۳۹۵). تفسیر فاتحه الكتاب. چ ۱، العامه. تهران: مکتبه الامام امیر المومنین علی (ع).

بحرانی آل عصفور، یوسف بن احمد بن ابراهیم. (۱۴۰۵). الحدائق الناضرة فی أحكام العترة الطاهرة. ج ۱۰، چ ۱. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه.

بحرانی آل عصفور، یوسف بن احمد بن ابراهیم. (۱۴۲۳). الدرر النجفیة من الملتقطات الیوسفیة. ج ۲، چ ۱. بیروت: لبنان، دار المصطفی لإحياء التراث.

بزرگی، حسن. (۱۴۰۰). مریم آیت آفرینش. چ ۱. ناشر ادیان.

بلاغی، محمد جواد. (بی تا). آلاء الرحمن فی تفسیر القرآن. ج ۱، چ ۱. قم: وجدانی.

پاندر، کاترین. (۱۳۸۴). قدرت دعا، (ترجمه مینا اعظامی). ج ۱، چ ۸. انتشارات صورتگر.

توفیقی، حسین. (۱۳۸۹). آشنایی با ادیان بزرگ. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها سمت، مرکز تحقیق و توسعه علوم انسانی، قم، موسسه فرهنگی طه، جامعه المصطفی العالمیه.

جرجانی، امیر ابوالفتح. (۱۴۰۴). تفسیر شاهی. ج ۱، چ ۱. تهران: انتشارات نوید.

جمعی از محققان. (۱۳۸۹). فرهنگ نامه اصول فقه. ج ۱. معاونت پژوهشی دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

حر عاملی، محمد بن حسن. (۱۴۰۹). تفصیل وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه. ج ۷، چ ۱. قم: موسسه آل البیت علیهم السلام.

حسینی، محمد رضا. (۱۳۹۴). فلسفه دعا از دیدگاه حضرت آیه الله العظمی مظاهری. چ ۱. ناشر موسسه بوستان کتاب، مرکز چاپ و نشر دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.

حلی، مقداد بن عبدالله. (بی تا). کنز العرفان فی فقه القرآن، (ترجمه عبد الرحیم عقیقی بخشایشی). ج ۲، چ ۱. قم: بی جا.

حلی، احمد بن محمد بن فهد. (۱۴۰۷). عده الداعی و نجاح الساعی. بیروت: لبنان، دارالکتاب العربی.

خامنه ای، علی. (۱۳۹۳). دعا از منظر حضرت آیه الله العظمی سید علی خامنه ای (مدظله العالی) رهبر معظم انقلاب اسلامی. تدوین علی رضا برازش، چ ۱۳. انتشارات انقلاب اسلامی.

خمینی، روح الله. (۱۴۱۵). انوار الهدایه فی التعلیقہ علی الکفایه. ج ۱، چ ۲. تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).

خویی، ابوالقاسم. (۱۴۱۶). صراط النجاه المحشی للخویی. ج ۱، چ ۱. قم: مکتب نشر المنتخب.

خویی، ابوالقاسم. (۱۴۱۸). موسوعه الإمام الخویی. ج ۱۴، چ ۱. قم: مؤسسه احیاء آثار الإمام الخوئی.

دهقان، اکبر. (۱۳۸۷). نسیم رحمت تفسیر قرآن کریم. ج ۱، چ ۱. قم: حرم.

رضایی اصفهانی، محمد علی. (۱۳۸۷). تفسیر قرآن مهر. ج ۲۲، چ ۱. قم: پژوهشهای تفسیر و علوم قرآن.

سبحانی، جعفر. (۱۴۱۶). العبادہ حدها و مفهوماها. قم: نشر مشعر.

سبحانی، جعفر. (۱۴۲۶). التوحید و الشرك فی القرآن. چ ۲. قم: موسسه امام صادق (ع).

سبحانی، جعفر (۱۳۸۰). آیین و هابیت. چ ۴. تهران: نشر مشعر.

صدر، محمد باقر. (۱۳۹۸). انسان و عبادت، (ترجمه نرگس خسروی). چ ۱. انتشارات دار الصدر.

صدر، موسی. (۱۴۰۱). عبادت یا عبودیت در قلمرو اندیشه امام موسی صدر ۱۱. چ ۳. تهران: موسسه فرهنگی تحقیقاتی امام

موسی صدر.

صدوق، محمد بن علی بن بابویه. (۱۳۸۶). علل الشرائع. ج ۱، چ ۱. قم: بی جا.

طباطبایی، محمد حسین. (۱۳۹۰). المیزان فی تفسیر القرآن. ج ۱، چ ۸، چ ۲. لبنان: بیروت، مؤسسه الأعلمی للمطبوعات.

طباطبایی، محمد حسین. (۱۳۷۴). تفسیر المیزان، (ترجمه محمد باقر موسوی). ج ۱۴، ج ۲۰، چ ۵. قم: دفتر انتشارات اسلامی،

جامعه مدرسین حوزه علمیه.

عبدالرحمان، محمود. (بی تا). معجم المصطلحات و الألفاظ الفقهیه. ج ۲. بی جا.

گاندی، مهاتما. (۱۴۰۰). نیایش، (ترجمه شهرام نقش تبریزی). چ ۱۴. تهران: نشر نی.

- لاری، عبدالحسین. (۱۴۱۸). مجموعه مقالات. ج ۱. قم: مؤسسه المعارف الإسلامیه.
- مجلسی، محمد تقی. (۱۴۱۴). لوامع صاحبقرانی. ج ۴، ج ۲. قم: ناشر موسسه اسماعیلیان.
- مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی. (۱۴۰۴). مرآة العقول فی شرح اخبار آل الرسول. ج ۱۲، ج ۲. تهران: دارالکتب الإسلامیه.
- مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی. (۱۴۱۰). بحار الأنوار. ج ۷۹، ج ۱. بیروت: لبنان، موسسه الطبع و النشر.
- مرادی، بهروز. (۱۴۰۰). پرستش عاشقانه. ج ۱. تهران: انتشارات بهمن برنا.
- مرعشی نجفی، شهاب الدین. (۱۴۱۵). القصاص علی ضوء القرآن و السنه. ج ۱، ج ۱. قم: انتشارات کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی قدس سره.
- مرکز فرهنگ و معارف قرآن. (۱۳۸۲). دایره المعارف قرآن کریم. ج ۴، ج ۳. قم: بوستان کتاب قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، مرکز فرهنگ و معارف قرآن.
- مشکینی، علی. (۱۳۹۲). مصطلحات الفقه. قم: موسسه دار الحدیث العلمیه و الثقافیه، مرکز للطباعه و النشر.
- مشکینی، علی. (۱۴۱۶). اصطلاحات الأصول و معظم أبحاثها. ج ۶. قم: نشر الهادی.
- مطهری، مرتضی. (۱۳۹۷). عبادت و دعا. ج ۱. انتشارات صدرا.
- مکارم، ناصر (۱۴۲۸). شیعه پاسخ می گوید. ج ۸. قم: انتشارات مدرسه امام علی بن ابی طالب (ع).
- منتظری نجف آبادی، حسین علی. (۱۴۰۹). مبانی فقهی حکومت اسلامی، (ترجمه محمود صلواتی و ابوالشکور). ج ۳، ج ۱. قم: مؤسسه کیهان.
- مهروش، فرهنگ. (۱۳۸۹). مروری بر گستره دعا پژوهی. ج ۱. انتشارات بصیرت.
- میرزای قمی گیلانی، ابوالقاسم بن محمد حسن. (۱۴۱۳). جامع الشتات فی أجوبه السؤالات للمیرزا القمی. ج ۱، ج ۱. تهران: مؤسسه کیهان.
- ناکامورا، کوجیرو. (۱۳۹۶). غزالی و دعا، (ترجمه شهاب الدین عباسی). ج ۱. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب پارسه.
- هارتس، پائولا آر. (۱۴۰۰). ادیان جهان آیین زرتشت، (ترجمه محمدرضا خراسانی زاده). ج ۱. انتشارات دانشگاه ادیان و مذاهب.
- هاشمی رفسنجانی، اکبر. (۱۳۸۳). فرهنگ قرآن. ج ۵، ج ۹، ج ۲. قم: بوستان کتاب قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه.
- هایلر، فریدریش. (۱۳۹۲). نیایش پژوهشی در تاریخ و روان شناسی دین، (ترجمه شهاب الدین عباسی). تهران: نشر نی.